

گزارش

حمیدرضا علی نیا

مترجم

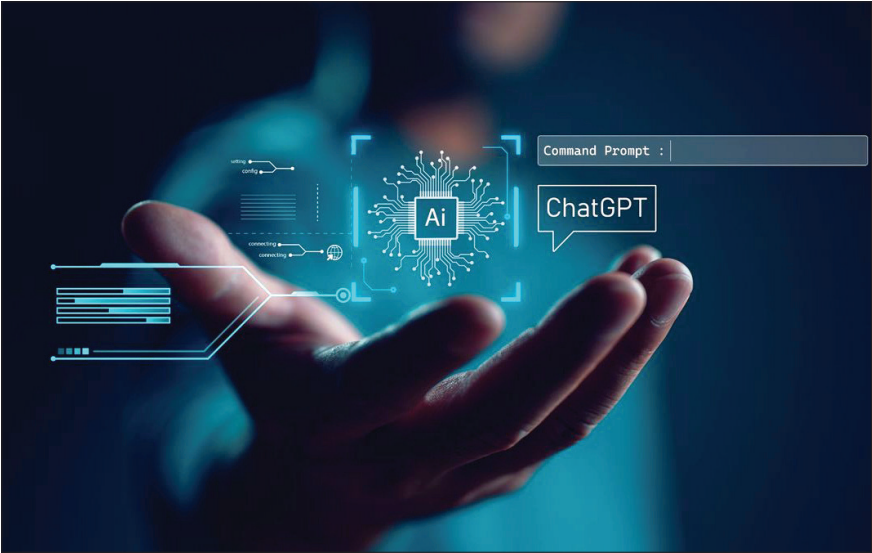
هوش مصنوعی با سرعتی بی‌سابقه در حال تغییر شکل بازار کار جهانی است. بر اساس گزارش «آینده مشاغل ۲۰۲۵» پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰، حدود ۳۸ درصد از کارهای موجود دستخوش تغییرات اساسی شوند. در این میان، ۸۵ میلیون شغل به دلیل خودکارسازی از بین خواهند رفت اما هم‌زمان ۹۷ میلیون شغل جدید ایجاد خواهد شد که نیازمند مهارت‌های تازه‌ای هستند. رشد سریع فناوری‌های مرتبط با هوش مصنوعی، مانند یادگیری ماشین و پردازش زبان طبیعی، باعث شده است که در پنج سال آینده، ۴۳ درصد از شرکت‌ها کاهش نیروهای انسانی خود را در دستور کار قرار دهند. این در حالی است که ۳۴ درصد از آن‌ها قصد دارند نیروهای خود را با مهارت‌های دیجیتال جدید آموزش دهند. در همین حال، شکاف مهارتی میان نیروی کار فعلی و نیازهای آینده در حال افزایش است. تخمین زده می‌شود که تا سال ۲۰۲۷، نزدیک به ۵۰ درصد از کارکنان برای حفظ شغل خود نیاز به بازآموزی داشته باشند. این تحولات، نه‌تنها چالش‌های تازه‌ای برای دولت‌ها و کسب‌وکارها ایجاد می‌کند، بلکه فرصت‌هایی برای مشاغل نوظهور به همراه دارد؛ مشاغلی که در حوزه‌هایی مانند تحلیل داده، امنیت سایبری و مدیریت سیستم‌های هوش مصنوعی رشد چشمگیری خواهند داشت. توانایی هوش مصنوعی (AI) در تحول اکوسیستم کار فراتر از هر شکی است و اثرات آینده آن از همین حالا در حال نمایان شدن است. برخی مشاغل در معرض خطر نابودی قرار دارند، بسیاری دیگر هم به لطف گسترش ابزارهای جدید و بسیار پیشرفته‌تر در حال شکوفایی هستند. بر اساس گزارش «آینده مشاغل ۲۰۲۵» که روز سه‌شنبه توسط مجمع جهانی اقتصاد (WEF) منتشر شد، هوش مصنوعی مولد و فناوری‌های مرتبط با پردازش اطلاعات عامل تغییر در مدل‌های کسب‌وکار برای ۹۰ درصد کارفرمایان خواهند بود و این تغییرات در پنج سال آینده رخ خواهد داد. در این بازه زمانی، مشاغلی مانند صندوق‌داری و دفترداری در محیطی دشوار برای بقا قرار می‌گیرند.

این تغییرات هم در حوزه شغلی و هم در ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع تأثیرگذار است. شرکت‌ها و سازمان‌ها به دنبال راه‌هایی برای ادغام فناوری‌های نوین در فرایندهای خود هستند، در حالی که دولت‌ها و نهادهای قانون‌گذار بر بررسی راهکارهایی برای کاهش تأثیرات منفی این تحول بر نیروی کار سنتی می‌پردازند. این امر باعث ایجاد فرصت‌های جدید در برخی حوزه‌ها و کاهش فرصت‌های شغلی در بخش‌های دیگر خواهد شد. اثرات روانی و اجتماعی این تغییرات نیز قابل توجه است. بسیاری از افراد شاغل در حرفه‌های سنتی با ترس از جایگزینی شغلی مواجه‌اند. در حالی که افراد متخصص در فناوری‌های نوین فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای رشد و پیشرفت خواهند داشت. از این‌رو، آموزش‌های مهارتی و به‌روزرسانی دانش نیروی کار بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند.

تغییر شکل بازار کار

پیشرفت‌های فناوریانه ناشی از ظهور هوش مصنوعی (که میان کارشناسان توافق گسترده‌ای برای توصیف آن به‌عنوان مخرب‌ترین تحول قرن اخیر وجود دارد)، روابط بین انسان و

خلق ۱۷۰ میلیون فرصت شغلی توسط هوش مصنوعی



ماشین را بازتعریف خواهد کرد. گزارش تهیه‌شده توسط مجمع جهانی اقتصاد مستقر در سوئیس نتیجه می‌گیرد که تعامل میان انسان و ماشین به‌طور چشمگیری تغییر خواهد کرد. این گزارش توضیح می‌دهد که در حال حاضر فقط ۴۷ درصد از وظایف توسط انسان انجام می‌شود و تنها ۳۰ درصد از آن‌ها شامل همکاری با ماشین‌هاست اما تا سال ۲۰۳۰ این نسبت‌ها تقریباً برابر خواهند شد.

در مواجهه با افزایش نقش ماشین‌ها، توصیه‌ها شامل طراحی فناوری‌هایی است که کار را تکمیل کنند نه اینکه جایگزین آن شوند. همچنین اقداماتی برای ایجاد همکاری قابل‌مقایسه بین انسان و ماشین، به‌جای حرکت به‌سوی خودکارسازی کامل از دیگر پیشنهادات است. از جمله عواقب دیگر، سپردن کنترل کامل به الگوریتم‌ها (جدای از بحث اخلاقی درباره مناسب بودن یا نبودن حذف کامل مسئولیت انسانی) و افزایش نابرابری بین کشورهاست؛ زیرا همه کشورها در حال حاضر سرمایه‌گذاری یکسانی در این زمینه ندارند و منابع مشابهی نیز برای آینده در اختیار آن‌ها نیست. این گزارش هشدار می‌دهد که این عدم تعادل در آینده تشدید خواهد شد.

ایجاد و حذف مشاغل

مانند تمامی مطالعاتی که تلاش دارند تصویری از آینده بازار کار ترسیم کنند، این گزارش هم پیش‌بینی‌هایی درباره ایجاد و از بین رفتن شغل به‌عنوان پیامد گسترش هوش مصنوعی مولد ارائه می‌دهد و تعادل جدیدقدرت در نیروی کار را مشخص می‌سازد. بر اساس این تحلیل، تا سال ۲۰۳۰ بازار کار شاهد تغییر ساختاری معادل ۲۲ درصد از اشتغال کنونی خواهد بود. این بدان معناست که ۱۷۰ میلیون شغل جدید در سراسر جهان ایجاد و ۹۲ میلیون شغل از بین می‌رود که منجر به یک تراز مثبت هفت درصدی از کل اشتغال معادل ۷۸ میلیون شغل جدید خواهد شد.

بخش‌های شغلی نوظهور

در بخش مربوط به مشاغل جدید، گزارش به تفکیک بخش‌ها توضیح می‌دهد که کدام فعالیت‌ها از ابزارهای کاری جدید

جهان

را به‌شدت کاهش داده است. چت‌بات‌ها و دستیارهای مجازی روزبه‌روز توانایی بیشتری در رسیدگی به درخواست‌های مشتریان پیدا می‌کنند و نیاز به نمایندگان انسانی را کاهش می‌دهند. همچنین خودکارسازی صنعتی نیاز به مداخله انسانی در خطوط تولید را کاهش داده؛ زیرا ربات‌های مجهز به هوش مصنوعی فراگیرتر شده‌اند. این دو مسئله که نیاز به کارمندان خدمات مشتری و اپراتورهای ماشین‌آلات را کاهش می‌دهد.

عوامل تأثیرگذار بر تغییرات بازار کار

گزارش یادشده توضیح می‌دهد که تمامی این تغییرات تحت‌تأثیر پنج روند اصلی قرار دارند که عبارتند از تغییرات فناوری که پیشرفت متاثر از آن در هوش مصنوعی، رباتیک و محاسبات کوانتومی به تغییر شیوه انجام کارها ادامه خواهد داد و تأکید بیشتری بر خودکارسازی و افزایش کار انسانی خواهد داشت. دوم تجربه ژئواکونومیک به معنای تأثیر تغییرات در زنجیره‌های تأمین جهانی و تنش‌های ژئوپلیتیکی بر عملیات تجاری که بر تقاضای نیروی کار در صنایع مختلف اثرگذار است. سوم روند گذار به سمت انرژی‌های سبز که بر اساس آن مشاغل مرتبط با انرژی‌های تجدیدپذیر، توسعه پایدار و مقاومت در برابر تغییرات آب‌وهوایی در حال افزایش است. همچنین نااطمینانی اقتصادی روند دیگری است که بر بازار کار تأثیرگذار است. تورم، نوسانات نرخ بهره و بحران‌های مالی تاریخی موجب تغییر در الگوهای اشتغال شده‌اند و اغلب خودکارسازی را به‌عنوان راهکاری برای کاهش هزینه‌ها تسریع کرده‌اند. در نهایت نیز تغییرات جمعیتی روند مؤثر دیگری است که در آن افزایش سن جمعیت، به‌ویژه در اقتصادهای توسعه‌یافته، نیاز به نیروی کار در بخش‌های بهداشتی و مراقبت از سالمندان را افزایش داده و در عین حال، نیروی کار در صنایع سنتی را کاهش داده است.

مسیر پیش‌رو

این گزارش نتیجه می‌گیرد که تحول فناوری و تکامل اشتغال، فرصتی به‌نظیر برای بازسازی بازار کار به‌سوی محیطی کارآمدتر، بهره‌ورتر و پایدارتر فراهم می‌آورد. با این حال برای تحقق این هدف، همکاری فعال بین دولت‌ها، شرکت‌ها و نهادهای آموزشی ضروری است تا از فراگیر بودن و عادلانه بودن منافع این تغییرات اطمینان حاصل شود.

بهبود آموزش مهارت‌های جدید و آگاهی از فرصت‌های شغلی نوظهور برای کاهش نابرابری‌ها و افزایش فرصت‌های شغلی ضروری خواهد بود. سیاست‌گذاران باید مقرراتی را تدوین کنند که هم از کارگران محافظت کند و هم نوآوری را تقویت نماید. بدون وجود یک چارچوب حمایتی مناسب، بسیاری از کارگران ممکن است نتوانند خود را با شرایط جدید بازار کار وفق دهند.

در نهایت، هوش مصنوعی نه یک تهدید ذاتی است و نه یک راحل جهانی، بلکه ابزاری است که باید به‌طور مسئولانه از آن استفاده شود. با اطمینان از این که پیشرفت‌های فناوری در راستای رفاه انسانی حرکت می‌کند، جامعه می‌تواند از پتانسیل هوش مصنوعی برای ایجاد بازاری کارآمدتر، انعطاف‌پذیرتر و عادلانه‌تر بهره‌برد. سیاست‌گذاران، مدیران کسب‌وکار و افراد باید از هم‌کاری برای سازگاری با آینده‌ای که هوش مصنوعی در آن نقش اساسی دارد، آماده شوند.

منبع: آل‌انالیزس

۱۱



atiyeno.ir

پوسیدگی مغز با محتوای ناسالم اینترنتی

مصرف اینترنت به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره تبدیل شده و دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و محتوای آنلاین به‌شدت افزایش یافته است. طبق آمارهای جهانی، میلیاردها نفر روزانه ساعت‌های زیادی را صرف جست‌وجو، ارتباط و مصرف محتوای دیجیتال می‌کنند. این روند در میان گروه‌های مختلف سنی، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، بیش از سایرین رواج دارد و تأثیرات عمیقی بر زندگی شخصی، اجتماعی و حتی سلامت روانی آن‌ها گذاشته است. ظهور فناوری‌هایی مانند «پیمایش بی‌پایان» و اعلان‌های پی‌درپی، کاربران را در چرخه‌ای مداوم از مصرف محتوا گرفتار می‌کند. این عادت گسترده به مرور اثرات مخرب خود را نشان داده است. فراتر از مزایای فناوری، اکنون تأثیرات منفی آن بر مغز و توانایی‌های شناختی مورد توجه جدی محققان قرار دارد. در رابطه با همین مسئله کلمه پوسیدگی مغز (Brain rot) به‌عنوان کلمه سال ۲۰۲۴ از سوی انتشارات آکسفورد و پس از یک رأی‌گیری عمومی با مشارکت بیش از ۳۷ هزار نفر انتخاب شد. انتشارات دانشگاه آکسفورد این مفهوم را این گونه تعریف می‌کند: «وخمات وضعیت ذهنی با فکری رده، به‌ویژه ناشی از مصرف بیش از حد مطالبی (محتوای آنلاین) که بی‌اهمیت یا غیرجالبتی تلقی می‌شود.» به گفته کارشناسان زبان آکسفورد، این اصطلاح بازتاب نگرانی‌های فزاینده در مورد تأثیر مصرف مقادیر زیاد محتوای بی‌کیفیت آنلاین، به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی است. استفاده از این اصطلاح بین سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴، حدود ۲۳۰ درصد افزایش یافته است.»

امسا پوسیدگی مغز تنها یک ویژگی زبانی نیست. در دهه گذشته، مطالعات علمی نشان داده‌اند که مصرف بیش از حد محتوای کم‌ارزش از جمله اخبار خیالی و جنجالی، نظر به‌های توطئه و سرگرمی‌های سطحی می‌تواند تأثیرات عمیقی بر مغز سا بگذارد. به عبارت دیگر پوسیدگی، توصیفی اغراق‌آمیز برای اثرات محتوای بی‌کیفیت آنلاین بر مغز انسان نیست. تحقیقات از مؤسسات معتبر مانند دانشکده پزشکی هاروارد، دانشگاه آکسفورد و کالج کینگ لندن که توسط روزنامه گاردین نقل شده‌اند نشان می‌دهند که مصرف محتوای شبکه‌های اجتماعی می‌تواند ماده خاکستری مغز را کاهش دهد، بازه توجه را کوتاه کند، حافظه را تضعیف و عملکردهای شناختی اصلی را مختل کند. مطالعه‌ای در سال ۲۰۲۳ این اثرات را برجسته کرده و نشان داده که اعتیاد به اینترنت باعث تغییرات ساختاری در مغز می‌شود که بر رفتار و توانایی‌های شناختی تأثیر می‌گذارد. میشل موشل، پژوهشگر دانشگاه مک کواری و نویسنده مشترک این مطالعه، توضیح می‌دهد: «مصرف بی‌اختیار و اجباری محتوا که به نام بدخبرخوانی (doomscrolling) نیز شناخته می‌شود از گرایش طبیعی مغز برای جست‌وجوی چیزهای جدید، به‌ویژه اطلاعات بالقوه مضری با هشداردهنده، سواستفاده می‌کند؛ گرایشی که زمانی به بقای بشر کمک می‌کرد.» موشل می‌گوید: «ویژگی‌هایی مانند پیمایش بی‌پایان (infinite scrolling) که برای نگه‌داشتن کاربران در مقابل صفحه طراحی شده، می‌تواند افراد - به‌ویژه جوانان - را در چرخه مصرف محتوا برای ساعت‌ها گرفتار کند. این موضوع به‌طور قابل‌توجهی توجه و عملکردهای اجرایی را مختل می‌کند؛ زیرا تمرکز ما را تحت الشعاع قرار می‌دهد و نحوه درک و واکنش به جهان را تغییر می‌دهد.» ادواردو فرانلندر خیمنز، روانشناس بالینی در بیمارستان لایلاز مادرید، بیان می‌کند: مغز برای مدیریت انواع مختلف توجه، شبکه‌های عصبی متفاوتی را فعال می‌کند. استفاده زیاد از تلفن‌های هوشمند و اینترنت در حال ایجاد مشکلاتی در توجه پایدار است؛ توجهی که به شما اجازه می‌دهد برای مدتی نسبتاً طولانی روی یک وظیفه تمرکز کنید. این نوع توجه با فرایندهای یادگیری و آکادمیک مرتبط است.» به گفته این پژوهشگر مشکل این است که کاربران شبکه‌های اجتماعی دائماً در معرض محرک‌های سریعاً متغیر و متنوع مانند اعلان‌های اینستاگرام، پیام‌های واتس‌آپ یا هشدارهای خبری قرار می‌گیرند که پتانسیل اعتیادآور دارند. این یعنی کاربران به‌طور مداوم تمرکز خود را تغییر می‌دهند؛ پدیده‌ای که توانایی آن‌ها در تمرکز مؤثر را تضعیف می‌کند. کارشناسان از اوایل قرن بیستم زمانی که ایمیل به یک ابزار رایج تبدیل شد در مورد این مسئله هشدار داده بودند. در سال ۲۰۰۵، گاردین با تیتیر «ایمیل تهدیدی برای آی کیو است» گزارشی منتشر کرد، این مقاله اشاره کرد که تیمی از دانشمندان دانشگاه لندن تأثیر جریان مداوم اطلاعات را بر مغز بررسی کردند. پس از انجام ۸۰ آزمایش بالینی، آن‌ها دریافتند افرادی که روزانه از ایمیل و تلفن‌های همراه استفاده می‌کنند، به‌طور میانگین کاهش ۱۰ امتیازی در آی کیو داشتند. پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که این تقاضای مداوم برای توجه تأثیری مضرت‌ر از مصرف حشیش بر عملکرد مغز داشته است. این امر بیش از ظهور توتیت‌ها، کلیه‌های اینستاگرام، چالش‌های تیک‌تاک و اعلان‌های فشار بود. وضعیت کنونی حتی نگران‌کننده‌تر است. تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که استفاده مداوم از اینترنت با کاهش ماده خاکستری در نواحی پیش‌پیشانی مغز مرتبط است؛ مناطقی که مسئول حل مسئله، تنظیم احساسات، حافظه و کنترل تکانه‌ها هستند.